



نقش سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) در حمایت از حق مولف

الهام آشفته رودبرده

موسسه آموزش عالی شفق تنکابن - mn.eftekhari@gmail.com

چکیده

حقوق پدیدآورندگان آثار، بسیار متنوع و گوناگون هستند. در میان این حقوق، آنچنان که مبانی حقوق مؤلف، نمایان ساخته است، حقوق مالی به منظور تأمین حمایت از زندگی آبرومندانه پدید آورنده و ترغیب سایرین به خلق آثار ارزشمند، در نظر گرفته شده اند. پدید آورندگان عمدتاً ناگزیرند حقوق مالی خود را به شکلی از اشکال به بهره برداران واگذار نمایند. در حقوق فرانسه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حق مؤلف، تعریفی از حق معنوی مؤلف ارائه نشده است. برخی از حقوقدانان از این تأسیس، با عنوان: «حقوق اخلاقی» «Droit Moral» یاد کرده‌اند. حق معنوی مؤلف از جمله حقوق مؤلف است که نوعی مالکیت فکری تلقی می‌شود. در دهه‌های اخیر هم در بعد ملی و هم در بعد بین‌المللی حق معنوی مؤلف مورد توجه خاص قرار گرفت؛ در این راستا در مقررات و قوانین داخلی بسیاری از کشورها هم جهت با کنوانسیون‌های بین‌المللی تصویب شده در این زمینه تغییرات عمده‌ای صورت گرفته است. از آنجا که این موضوع در حقوق ایران کمتر بررسی و تحلیل شده است، در این پایان نامه ابعاد حقوقی و فقهی موضوع بررسی و اشکالات و ابهامات قانونی آن یادآور شده است. همچنین ضمن تأکید بر نظریه‌های فقهی مبنی بر لزوم رعایت حق معنوی مؤلف انواع این حق و ضمانت اجرای حمایت از آن حق تبیین شد.

کلید واژه: مبانی حقوقی، حق مولف، نظام حقوقی ایران، مالکیت معنوی. wipo



مقدمه:

مالکیت فکری ترجمه‌ای از اصطلاح است که برخی از حقوقدانان‌ها از آن با تعبیر «مالکیت معنوی» یاد کرده‌اند. مالکیت فکری دو بخش دارد: بخش اول مربوط به «مالکیت صنعتی» و بخش دوم مربوط به «مالکیت ادبی و هنری» است. مالکیت ادبی و هنری یا «حق ابتکار» خود به دو حوزه «حقوق مؤلف» و «حقوق مرتبط» بخش پذیر است. اصطلاح «حقوق مؤلف» که در حقوق رومی-ژرمنی به سبب توجه بیشتر به پدیدآورنده بیشترین کاربرد را دارد، معادل «حق نسخه‌برداری» مطرح در کامن لا به لحاظ تأکید بیشتر بر جنبه‌ی مادی آثار فکری است که در معنای کپی‌رایت آورده شده است. حق نسخه برداری ترجمه‌ای از اصطلاح می‌باشد و نخستین بار در سال ۱۸۶۱ در کنوانسیون برن وارد عرصه بین‌المللی شد و به مسئولیت حمایت از کارهای ادبی و هنری اشاره کرد. کپی‌رایت، حقی است که برپایه آن به پدیدآورنده اجازه داده می‌شود درباره انتشار و فروش اثر ادبی، هنری یا علمی خویش با پشتوانه حمایتی قانون گذار، تصمیم بگیرد. این تصمیم‌گیری بدون دغدغه آن است که دیگران حقوق مادی و اخلاقی او را زیر پا نهند و او را از داشتن این حقوق مسلم محروم سازند. از این رو، کپی‌رایت تمهیدی قانونی است که برای حمایت از حقوق مادی و اخلاقی پدیدآورندگان یا تولیدکنندگان آثار ادبی، هنری و علمی پایه ریزی شده است. در پرتو این حق، به صاحب آن اجازه داده می‌شود که در مورد چاپ کردن یا چاپ نکردن اثر ادبی، خودش یگانه مرجع تصمیم‌گیرنده باشد و هر شخص متعرض به این حق، اعم از حقیقی یا حقوقی، منع گردد.

کپی‌رایت از مسائل جدید در حقوق است که همگام با تحولات اقتصادی، صنعتی و فرهنگی جوامع بشری، بسیار دگرگون شده است. اصطلاح «کپی‌رایت»، عموماً ناظر به مهم‌ترین عملی است که در مورد آثار ادبی و هنری انجام می‌شود. در مورد کپی‌رایت، همکاری‌های بین‌المللی متعددی میان کشورها انجام گرفته است؛ یکی از سازمان‌هایی که در این حوزه به فعالیت می‌پردازد، سازمان جهانی مالکیت معنوی می‌باشد. از دیگر سو در حوزه‌ی تجارت جهانی نیز موضوعاتی پیش می‌آید که به مالکیت فکری مربوط بوده و سازمان‌های درگیر در تجارت جهانی مانند سازمان جهانی تجارت را به این موضوع نزدیک می‌نماید. در این پژوهش، مفهوم و تاریخچه‌ی حقوق مالکیت فکری و به طور خاص کپی‌رایت، بیان خواهد شد؛ قوانین و مقرراتی که بین کشورها برای حمایت از کپی‌رایت در سازمان جهانی مالکیت معنوی و سازمان جهانی تجارت، وضع شده است و رابطه‌ی بین این دو سازمان مورد بررسی قرار داده شده است. سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت معنوی، دو سازمانی هستند که نقش به‌سزایی در حمایت از کپی‌رایت، در عرصه‌ی بین‌المللی ایفا کرده‌اند. سازمان تجارت جهانی به واسطه‌ی موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) که مهم‌ترین موافقت‌نامه‌ی این سازمان است و سازمان جهانی مالکیت معنوی به لحاظ اینکه معاهدات بسیاری را اداره و اجرا کرده است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین این معاهدات، کنوانسیون برن می‌باشد، حمایت‌های زیادی در این زمینه به عمل آورده‌اند. کنوانسیون برن کشورهای امضاکننده را (که در متن معاهده به نام «کشورهای عضو اتحادیه» شناخته شده‌اند) ملزم می‌کند که آثار پدیدآورندگان سایر کشورهای امضاکننده را همچون آثار پدیدآورندگان تبعه خود مورد حمایت کپی‌رایت قرار دهد. این پدیدآورنده کسی است که دارای تابعیت یکی از کشورهای عضو می‌باشد و اگر دارای چنین تابعیتی نیست، اثر خود را برای نخستین بار در یکی از کشورهای عضو اتحادیه منتشر می‌کند یا اقامتگاه وی در یکی از کشورهای عضو اتحادیه است. به عنوان مثال، قانون کپی‌رایت فرانسه در مورد هر اثری که حمایت کپی‌رایت برای آن از دادگاه‌های فرانسه درخواست شود، بدون توجه به اینکه آن اثر ابتدائاً در کجا پدید آمده است، مادام که پدیدآورنده اثر، تبعه یا مقیم یکی از کشورهای عضو است، لازم‌الاجراست.



علاوه بر ایجاد یک نظام رفتار مشابه که کی‌رایت را در میان کشورهای امضاکننده، بین‌المللی ساخت، این کنوانسیون همچنین اعضا خود را ملزم می‌دارد که حداقل استانداردهایی را در قوانین کی‌رایت خود وارد سازند. این استانداردها در مواد یک تا ۲۰ کنوانسیون برن مقرر شده‌اند.

۱- ساختار وایپو

سازمان جهانی مالکیت فکری، دارای دو رکن اصلی، شامل «مالکیت صنعتی» (پتنت، نشان‌های تجاری و طراحی‌های صنعتی) و «کی‌رایت» (آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و زمینه‌های صوتی و تصویری) است. ساختار این سازمان، متشکل از موارد زیر است:

- «مجمع عمومی»: شامل کلیه کشورهای عضو وایپو و اتحادیه‌های برن و پاریس؛
- «اجلاس»: شامل کلیه کشورهای عضو وایپو، اعم از این که عضو اتحادیه‌های برن و پاریس باشند یا نباشند؛
- «کارگروه هماهنگی»: شامل تعداد مشخصی از اعضای وایپو که عضو کارگروه اجرایی اتحادیه‌های پاریس یا برن هستند؛
- «دفتر بین‌المللی»: دبیرخانه سازمان محسوب می‌شود؛

مدیرکل فعلی وایپو، «فرانسیس گری» نام دارد که از اول اکتبر سال ۲۰۰۸ میلادی، به این سمت برگزیده شده است. وی در ماه می ۲۰۱۴، برای یک دوره ۶ ساله دیگر در سمت خود ابقاء گردید که بر این اساس، دوره ریاست وی، تا سپتامبر ۲۰۲۰ ادامه خواهد داشت. گری، تا بدین جا بر موضوعاتی نظیر چالش‌های سیستم ثبت اختراعات «PCT» و سیستم بین‌المللی کی‌رایت، به‌ویژه در مواجهه با تغییرات سریع فناوری در جهان و افزایش تقاضا برای حفاظت از دارایی‌های فکری، کاهش شکاف بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته و نیز، تشویق و ترویج نوآوری در سطح جهان، متمرکز بوده است. مالکیت فکری به آثاری که زاده ذهن انسان هستند مانند اختراعات، آثار ادبی و هنری و علائم و نشانه‌های مورد استفاده در فعالیت‌های تجاری اختصاص دارد و به دو دسته کلی مالکیت صنعتی و حق نشر (حقوق مادی و معنوی آثار ادبی و هنری) تقسیم می‌شود. [۱]

۱-۱- مالکیت صنعتی

حق مالکیت صنعتی بخش عمده حقوق مالکیت معنوی است که با در بر گرفتن حق استفاده انحصاری علائم تجاری، اختراعات، طرح‌های صنعتی، نام تجاری و... حافظ ابتکار و نتیجه افکار افراد در برابر اشخاص سودجو از طریق ثبت این حقوق در محدوده جغرافیایی کشور یا کشورهای محل ثبت است که به انحصار آن‌ها و بهره‌برداری از رقابت ناعادلانه در عرصه صنعت و تجارت منجر می‌شود.

اولین قانون در زمینه حمایت از مالکیت صنعتی در ایران «قانون ثبت علامات صنعتی و تجاری مصوب ۱۳۰۴ و نظامنامه آن» بود و به دنبال آن «قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین‌نامه اجرایی مربوط» به تصویب رسید.



۱-۲- حق نشر

اشاره کردیم که مالکیت فکری مجموعه قوانینی است که ناظر بر دو قسم حق نشر (مالکیت ادبی-هنری) و مالکیت صنعتی است. آنچه امروزه با عنوان حق نشر می‌شناسیم همان شاخه‌ی مربوط به مالکیت ادبی و هنری از حقوق مالکیت فکری است. حق نشر، به حمایت از اثر تأکید دارد. با اختراع دستگاه چاپ و رونق گرفتن صنعت نشر، ایجاد رونوشت از آثار دیگران با سهولت بیشتری صورت گرفت که منجر شد منافع تجاری کارفرمایان (صاحبان چاپخانه، ناشران و...) تحت شعاع قرار گیرد و در پی آن حمایت از آثار نویسندگان امری جدی تلقی شود و نهایتاً به ایجاد حق نشر و کپی‌رایت را منتج شد.

قانون حق نشر، محمل ارائه‌ی ایده‌ها را حمایت می‌کند نه خود ایده را؛ یعنی یک اثر دارای حق مؤلف است ولی نمی‌توان دیگران را از الهام گرفتن از سوژه و ایده‌ای که در آثار دیگران مانند یک اثر پژوهشی وجود دارد، منع کرد که اگر چنین کاری صورت نگیرد تولید آثار جدید بدون وجود منبع الهام به‌سختی میسر است و مانع گردش آزاد اندیشه می‌شود. [۲]

«اصطلاح کپی‌رایت که عمدتاً در کشورهای با نظام حقوقی نانوشته (کامن‌لا) استفاده می‌شود، در معنای عام، به مفهوم حقوق مالکیت فکری و در معنای خاص، معادل با اصطلاح «حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مجاور و مرتبط» است که در کشورهای دارای نظام حقوقی رومی-ژرمنی از آن به **حق مؤلف** تعبیر می‌شود»

کنوانسیون **برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری** (Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works)، به عنوان اولین معاهده بین‌المللی راجع به حقوق کپی‌رایت در سال ۱۸۸۶ تصویب شد.

در ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، معادل واژه **Copyright** را واژه «حق نشر» در نظر گرفته و تعریف آن را چنین ذکر کرده است: «حق انحصاری پدیدآورنده اثر برای بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر ادبی یا هنری یا صنعتی خود»

۱-۳- مدت زمان استفاده و حمایت از حق نشر و تکثیر

حق تکثیر در اصل برای جلوگیری از انتشار قاچاق رمان‌ها برقرار شد (۶). در مورد حق تکثیر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی وجود دارد که خودبه‌خود تمام کشورهای عضو موافقت‌نامه مشمول رعایت قوانین آن می‌شوند؛ یعنی اگر یک اثر در یکی از کشورهای عضو دارای امتیاز حق تکثیر شود، در دیگر کشورهای عضو هم دارای این امتیاز است. برخی کشورها عضو موافقت‌نامه بین‌المللی نیستند و شماری از اعضا در اجرا سهل‌انگاری می‌کنند. طبق رهنمودهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO)، طول مدت حمایت از حق تکثیر ۵۰ سال از زمان فوت نویسنده اثر است؛ این زمان در اتحادیه اروپا به مدت ۷۰ سال از زمان فوت نویسنده است. در ایران طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده ۳۰ سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت. (تبصره: مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود)». در سال ۱۳۸۹ بر اساس اصلاحیه مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۲ به شرح ذیل اصلاح شد: «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد. [۳]



۲- ساختار سازمان جهانی مالکیت فکری برای ارتقای جایگاه سازمان های مدیریت جمعی

با توجه به اهمیت نقش سازمان های مدیریت جمعی در توسعه کپی رایت، سازمان جهانی مالکیت فکری از طرق مختلف برای ارتقای این سازمانها کوشیده است که از جمله فعالیت های عملی و اقدامات ساختاری آن می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۲-۱- برنامه همکاری توسعه ای سازمان جهانی مالکیت فکری:

در گذشته نیز برنامه های همکاری توسعه ای سازمان جهانی مالکیت فکری مشتمل بر موضوعاتی از جمله توصیه به دولت ها در زمینه جنبه های قانون گذاری و اداری مدیریت جمعی، کمک به استقرار سازمان های مدیریت جمعی و توسعه بیشتر سازمان های موجود و نیز آموزش مقامات دولتی سازمان های کپی رایت ناظر بر سازمان های مدیریت جمعی و کارکنان خود آن سازمان ها می گردید. در برنامه های بعدی، این فعالیت ها فشرده تر شد و دامنه آن به حوزه های جدیدتر همکاری گسترش یافت. [۴]

۲-۱-۱- تأسیس اداره مدیریت جمعی در سازمان جهانی مالکیت فکری:

اداره مدیریت جمعی کپی رایت به عنوان بخش جدایی ناپذیر برنامه همکاری توسعه ای سازمان جهانی مالکیت فکری و تحت نظارت مستقیم معاون مدیر کل سازمان تشکیل شده و در ایجاد زیرساخت های مناسب برای مدیریت جمعی حقوق نویسندگان، آهنگسازان و اجراکنندگان، در سطوح ملی و منطقه ای با کشورهای عضو همکاری می کند. این اداره از طریق همکاری، حمایت و با هماهنگی سایر بخش های سازمان جهانی مالکیت فکری، به ویژه دفاتر منطقه ای سازمان جهانی مالکیت فکری، آکادمی این سازمان و دایره حقوق کپی رایت به انجام این وظیفه می پردازد.

هدف اصلی این اداره جدید در سازمان جهانی مالکیت فکری تضمین این امر است که مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط کمک قابل توجهی به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو می کند و منافع ملموسی برای پدیدآورندگان آثار فراهم می نماید. اداره مزبور برای پیگیری این هدف با همکاری اداره همکاری های توسعه ای و سایر ارگان های مربوطه در سازمان جهانی مالکیت فکری همکاری های فعالانه ای با دولت های در حال توسعه در زمینه استقرار، تقویت و نوسازی کردن این نهادها و انجمن های نویسندگان خواهد نمود. اگر سازمان جهانی مالکیت فکری در این زمینه موفق عمل کند با توجه به نقشی که مدیریت جمعی حقوق کپی رایت و حقوق مرتبط در توسعه فرهنگی، اقتصادی کشورها در سطح ملی و بین المللی ایفا می کند، کشورهای در حال توسعه اهمیت شایان توجهی نسبت به جایگاه سازمان های مدیریت جمعی داده و آن را ابزاری برای کمک به توسعه و رشد اقتصادی و فرهنگی تلقی خواهند نمود. [۵]

اداره مدیریت جمعی کپی رایت علاوه بر ارائه کمک های حقوقی به قانون گذاران ملی، سیاست های توسعه ای کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده و از نظر نیازهای اداری و فنی مورد ارزیابی قرار خواهد داد. برای این منظور، اداره مزبور علاوه بر به کارگیری همه امکانات در دسترس، امکان تبادلات فرامرزی، جریان اطلاعات بین مناطق مختلف، تبادل تجربه و معرفی رویه ها و روش های بهتر برای حل مشکلات مشابه را فراهم می سازد.

با توجه به ضرورت آگاه ساختن سیاست گذاران نسبت به اهمیت و نقش مدیریت جمعی در توسعه اقتصادی و ارتقای مداوم خلاقیت و نیز حفظ حقوق فرهنگی شامل سنتهای فولکلور، حمایت لازم برای نهادسازی از طریق تقویت ظرفیتها در سطوح ملی، منطقه ای و زیر منطقه ای، به وسیله سازماندهی سمینارهای ملی، منطقه ای و سایر نشست ها از جمله دیدارهای مطالعاتی در اختیار کشورها قرار خواهد گرفت. اداره مدیریت جمعی سازمان جهانی مالکیت فکری این رسالت را از طریق



تجارب و مهارت های به دست آمده از دفاتر منطقه ای سازمان جهانی مالکیت فکری، تجارب کشورهای صنعتی و مراجعه به کارشناسان و متخصصان بین المللی انجام می دهد.

۲-۱-۲- همکاری درون سازمانی و فراسازمانی اداره مدیریت جمعی:

اداره مدیریت جمعی سازمان جهانی مالکیت فکری برای انجام وظایف تعریف شده همکاری گسترده ای با ارگان های مختلف داخل سازمان جهانی مالکیت فکری از جمله اداره همکاری برای توسعه، اداره حقوق کپی رایت، بخش اطلاعات مالکیت صنعتی دفاتر منطقه ای، آکادمی سازمان جهانی مالکیت فکری و سایر ارکان مربوطه دارد. به علاوه، این اداره ارتباطات گسترده ای با نهادهای خارج از سازمان جهانی مالکیت فکری از جمله سازمان های تخصصی غیر دولتی و نیز مؤسسات تخصصی ملی و منطقه ای نیز برای انجام بهتر و مؤثرتر وظایف خود برقرار نموده است. (وایپو، ۲۰۰۶ م.)

اداره مدیریت جمعی سازمان جهانی مالکیت فکری با همکاری دفاتر منطقه ای به انجمن های نویسندگان و سازمان های مدیریت جمعی در کشورهای عضو کمک می کند که پایگاه های اطلاعاتی و بایگانی خود را تشکیل و تقویت نمایند، مقررات مربوط به توزیع را کارآمدتر نموده و تجهیزات رایانه ای خود را از نظر نرم افزاری و سخت افزاری تقویت نمایند و نظام تأمین اجتماعی و نیز ارتباط آنها با سازمانهای مشابه در کشورهای دیگر را فراهم نمایند. برای این منظور، اداره مربوطه در سازمان جهانی مالکیت فکری با سازمان های غیر دولتی متخصص در این حوزه نظیر CISAC، AEPO، LATINAUTOR، IFRRO، و... همکاری می کند که این سازمان ها نقش مهمی در زمینه مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط دارند. اداره مدیریت جمعی سازمان جهانی مالکیت فکری شبکه ای با سازمانهای غیر دولتی شریک ایجاد و ترتیبات لازم را برای استفاده از تخصص آنها فراهم نموده است. همچنین نشست های دوره ای با این سازمان ها برگزار می نماید تا پیشرفت های حاصله را ارزیابی و موانع و محدودیت ها را شناسایی نماید. [۶]

۳- روش ها و ابزارهای سازمان جهانی مالکیت فکری برای حمایت از سازمانهای مدیریت جمعی

دفتر بین المللی سازمان جهانی مالکیت فکری ابزارها و روش های متنوعی برای حمایت و تقویت مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه در مواجهه با چالش های عصر جدید در اختیار دارد. این ابزارها طیف گسترده ای را شامل می شود که عبارت است از مساعدت حقوقی، ظرفیت سازی، نهادسازی، توسعه منابع انسانی و کمکهای خاص تر فنی و اداری، نظیر اجرای پروژه های اتوماسیون. (وایپو، ۱۹۹۹ م.) در ادامه به بررسی مختصر هر یک از این موارد می پردازیم.

۳-۱- مساعدت حقوقی:

بخش حقوق کپی رایت در بخش برنامه همکاری توسعه ای سازمان جهانی مالکیت فکری، به درخواست دولت ها و سازمانهای بین الدولی منطقه ای، از طریق تهیه و ارائه پیش نویس قوانین یا توضیح و اظهار نظر در خصوص قوانین و مقرراتی که به موجب مفاد آنها سیستم های مدیریت جمعی مناسب قابل استقرار هستند، کمکهای حقوقی در اختیار مقامات ملی کشورهای عضو قرار می دهد. تهیه پیش نویس قوانین نمونه به عنوان دستورالعمل نحوه دستیابی به اهداف توسعه یک نظام کارآمد حمایت از کپی رایت و حقوق مرتبط، هماهنگی با کنوانسیون های بین المللی تحت نظارت سازمان جهانی مالکیت فکری، یکی از اقدامات متصور در این زمینه می باشد.



این قوانین نمونه در تسهیل فعالیت های نهادهای مدیریت جمعی نیز به کار گرفته می شوند. سازمان جهانی مالکیت فکری در ارائه کمک های حقوقی به کشورهای عضو، دیدگاه های حقوقی غالب در آن کشور و نیز الزامات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها را در نظر می گیرد. علاوه بر تهیه پیش نویس قوانین یا ارائه نقطه نظر درباره این قوانین، همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری با کشورهای عضو در زمینه حقوقی می تواند به شکل مأموریت های سازمان جهانی مالکیت فکری برای ارائه مشورت به نمایندگان دولت ها و در برخی موارد، شامل سفرهای مطالعاتی مقامات دولتی به ژنو باشد. [۷]

بخش حقوق کپی رایت سازمان جهانی مالکیت فکری، همچنین به کشورهای عضو متقاضی در زمینه تضمین انطباق قوانین ملی شان با مقررات مرتبط موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری، کنوانسیون برن و کنوانسیون های مربوط به حقوق مرتبط مشورت می دهد تا مفاد آنها با مقررات معاهده کپی رایت سازمان جهانی مالکیت فکری و معاهده سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص اجراکنندگان و آوانگاشت ها مطابقت داشته باشد. در واقع، بر اساس قانون مناسب ملی کشورهاست که فرایند توسعه برای ایجاد و تقویت مؤسسات ملی برای مدیریت جمعی حقوق کپی رایت و حقوق مرتبط می تواند آغاز گردد.

۳-۲- ظرفیت سازی

توسعه منابع انسانی و نهادسازی: هدف اصلی برنامه های آموزشی در زمینه مدیریت جمعی کپی رایت و حقوق مرتبط تخصصی کردن تجارت از طریق ایجاد یا توسعه انجمن های نویسندگان در کشورهای در حال توسعه است. مخاطبین این برنامه های آموزشی، صاحبان حقوق مصرف کنندگان این آثار و کارکنان انجمن های نویسندگان و عموم مردم در کل می باشد. این آموزشها از طریق برگزاری سمینارهای ملی یا منطقه ای و در سطوح مختلف مقدماتی و پیشرفته یا دوره های عملی برای مدیران تخصصی این انجمن ها برگزار می گردد. برنامه های آموزش انفرادی در سطوح بالا نیز در پاسخ به نیازهای خاص مقامات ملی و بنا به درخواست آنها ترتیب داده می شود.

ارتقای آگاهی عمومی، به ویژه مقامات دولتی، نسبت به اهمیت کپی رایت و حقوق مرتبط در کشورهای در حال توسعه دارای اهمیت و مطلوبیت بالایی است. مشروعیت اعمال این حقوق که از طریق سازمان های مدیریت جمعی انجام می شود، نه تنها به وجود قوانین کافی در زمینه کپی رایت در سطح ملی، بلکه به درک عمومی نسبت به توجیه و دلایل عینی ضرورت وجود نظام های مدیریت جمعی بستگی دارد. هم صاحبان حقوق و هم مصرف کنندگان باید نسبت به حقوق و تعهدات خود آگاه باشند. افکار عمومی نیز باید نسبت به منافع که پدیدآورندگان و بخش مولد جامعه می توانند از یک نظام مدرن و کارآمد مدیریت جمعی کپی رایت به دست آورند و از این طریق به تأمین اهداف اجتماعی و اقتصادی کشور، به عنوان بخش جدایی ناپذیر راهبرد توسعه، مساعدت نمایند، حساسیت داشته باشند. با توجه به ظهور تکنولوژی های جدید، سطح دانش و تخصص کارکنان سیستم های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه همواره نیازمند تقویت مستمر و به روز شدن است. در همین راستا، برنامه های آموزشی ویژه و مناسب حال این نیروهای فنی از سوی سازمان جهانی مالکیت فکری ارائه می گردد. [۸]

در ارتباط با نهادسازی، تردیدی وجود ندارد که این امر تنها راه حمایت و حفظ ظرفیت های مدیریت جمعی است. در واقع، یک سازمان مدیریت جمعی کارآمد و مورد احترام که مسؤولیت صیانت از حقوق و منافع نویسندگان و جمع آوری و توزیع عواید مالی را بر عهده می گیرد، می تواند به ارتقای آموزش و فرهنگ در سطح ملی و تبادل فرهنگی در سطح بین المللی



کمک کند. خلاصه کلام این که، یک سرویس دهنده موفق، سنگ زیرین نظام کپی رایت می باشد. در این راستا، ارائه کمک های فنی و اداری ارزش و اهمیت قابل توجهی دارد.

۳-۳- کمک های فنی و اداری:

با توجه به تحول ابزارهای فنی در اختیار سازمان های مدیریت جمعی، توجه به روزآمد کردن این نیازها حائز اهمیت است. تطبیق زیرساخت ها برای فعالیت مؤثر این سازمانها یک ضرورت است. سیستم های رایانه ای مناسب و مدرن لازم است تا پایگاه های اطلاعاتی مدرن برای جمع آوری و توزیع اجرت ایجاد شود و سایر امور مربوط به مصرف کنندگان و فعالیتهای مرتبط با کتابداری و ... به نحو احسن به انجام برسد. [۹]

دفتر بین المللی سازمان جهانی مالکیت فکری به تسهیل دریافت تجهیزات رایانه ای و نرم افزارهای لازم توسط سازمان های مدیریت جمعی در کشورهای در حال توسعه کمک می کند و آموزش های لازم را در خصوص سیستم های جدید و حفاظت و تعمیر و نگهداری آنها در اختیار می گذارد. با توجه به آثار تکنولوژی دیجیتال، سازمان جهانی مالکیت فکری، همچنین برای توسعه استانداردهای فنی برای انتشار اطلاعات مربوط به مالکیت فکری از طریق شبکه های دیجیتال، نظیر شبکه اطلاعات جهانی سازمان جهانی مالکیت فکری معروف به «WIPOnet» تلاش می کند. این شبکه خدماتی، اطلاعاتی را در خصوص مسایل مربوط به سیستم های مدیریت جمعی به کشورهای در حال توسعه ارائه می کند. [۱۰]

۴- نتیجه گیری

کپی رایت شاخه ای از مالکیت ادبی و هنری از زیرمجموعه مالکیت فکری است که به ابداع کنندگان آثار ادبی مانند کتاب داستان، شعر، نمایش نامه، متون مرجع، روزنامه های رایانه ای، پایگاه داده ها، فیلم، قطعات موسیقی و آثار هنری مانند نقاشی، طراحی، عکس و مجسمه، معماری، تبلیغات، نقشه های جغرافیایی و نقشه های مهندسی تعلق می گیرد.

دارندگان این امتیاز می توانند برای یک دوره زمانی محدود به نشر و تکثیر آثار تولیدی خود، بپردازند و از این منظر، کلیه حقوق مادی خویش را از آنها استیفا کنند. این در حالی است که اسناد بین المللی هم به چنین مؤلفه هایی توجه داشته اند. این در حالی است که سهولت و آسانی نقض کپی رایت بر اهمیت آن می افزاید. با نگاهی اجمالی به آمار و ارقام نقض کپی رایت به آسانی پی می بریم که رعایت کپی رایت چگونه از ورود ضرر و زیان به صاحبان آن جلوگیری می کند. در جامعه ایران، اگرچه آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد، می توان از آمار صنایع فیلم سازی آمریکا استفاده کرد که سالانه حدود یک بلیون دلار به دلیل کپی برداری غیرمجاز ضرر می بینند. این مبلغ، علاوه بر مبالغی است که برای تعقیب متجاوزان کپی رایت و فرهنگ سازی درباره رعایت کپی رایت هزینه می شود. طبیعی است که دولت ها که متولی و حافظ نظم در جامعه اند، از چنین ارقام درشت و تبعات منفی آن نگران باشند و به چاره اندیشی واداشته شوند و از طریق قوای مقننه به مبارزه با آن بپردازند.

در حالی که، بر اساس تکوین و تشریح، تولید فکری، محصول تلاش اندیشه انسان است که مالیت ذاتی و ملکیت تکوینی دارد. این محصول سرشار از منافع حیاتی و سرنوشت ساز است و در عرف معاوضه و معامله می شود. شرع آن را به رسمیت شناخته و تشریح آن را ضمانت و از آن حمایت کرده است.

با بررسی اقوال فقیهان به این نتیجه می رسیم که در میان آنان نیز روشی واحد در مورد احترام به کپی رایت وجود ندارد. برخی از آنان این حق را به رسمیت شناخته و شماری دیگر آن را نامعتبر شمرده اند. این دوگانگی در موضوع کپی رایت باعث شده است که حاکمان در کشورهای اسلامی در حمایت از کپی رایت اتفاق نظر نداشته باشند. تا زمانی که فقیهان



روش واحد و مشخصی دربارهٔ مشروعیت و احترام به این دسته از حقوق در پیش نگیرند و زمینه برای همکاری های بین المللی و الحاق به کنوانسیون های مرتبط با کپی رایت فراهم نیاید، توفیقی چشم گیر در این عرصه عاید ما نخواهد شد.

در جهان متمدن کنونی مسأله اولویت حقوق معنوی مالکیت فکری و مقدم داشتن آن بر حقوق مادی این نوع مالکیت، کاملاً مورد توجه قرار گرفته است و برای حقوق معنوی مالکیت فکری ارزش ویژه ای قابل شده اند. ممکن است عنوان شود قانون گذار ایران در تنظیم مقررات مربوط به حقوق مالکیت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ و مقررات بعدی، دیدگاه خاصی نداشته و در نظر نداشته است که حقوق مادی آفرینه فکری را مقدم بر حقوق معنوی آن قلمداد کند. البته احتمال دارد که چنین باشد و نیز این احتمال و نیز دور از ذهن نیست که به هنگام تنظیم مقررات مربوط به آثار فکری، مفاد کنوانسیون های بین المللی، خصوصاً کنوانسیون برن سال ۱۸۸۶ مورد توجه قرار گرفته باشد؛ زیرا در مقررات حمایت از آثار فکری ایران، شباهت هایی از جهت اسلوب تنظیم مواد و اولویت ها با اصول و ضوابط کلی کنوانسیون برن و کنوانسیون های تکمیلی کنوانسیون برن می توان یافت با این که ایران تا کنون به کنوانسیون برن ملحق نشده است.

در کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا از همان ابتدا، اثر به عنوان یک مال و یک محصول تلقی شده است. بدون شک این محصول یک محصول معمولی نیست و خلق آن مستلزم وجود خلاقیت منحصر از سوی پدیدآورنده می باشد. النهایه، این که پدیدآورنده چه شخصی باشد، معیاری متفاوت وجود دارد: به نظر این دسته، پدیدآورنده صرفاً کسی نیست که خلاقیت و فکر و محتوای اساسی و درونی اثر متعلق به اوست. شخصی که سرمایه اجرای طرح را می پردازد یا دستورالعمل های اجرایی آن را ارائه می کند، نقش کمتری از صاحب فکر ندارد. چه بسیار اندیشه ها که به دلیل عدم هدایت و تأمین مناسب مالی و اقتصادی و حمایت های فرهنگی هرگز بارور نمی شود یا موقعیت شایسته خود را نمی یابند. معمولاً اشخاص حقوقی هستند که از قدرت و توان چنین اقداماتی بهره مند هستند و بر این اساس، دلیل قانع کننده ای وجود ندارد که اشخاص حقوقی را از حمایت قانون بی بهره کنیم.

حقوق معنوی به عنوان اصل در نظام کامن لا قابل احترام نیست و حتی ایالات متحده به هنگام ملحق شدن به کنوانسیون برن (پس از سالهای زیادی از تصویب آن) به شرط استثنای خود از حکم ماده ۶۰ مکرر کنوانسیون (راجع به شناسایی حقوق معنوی در دولت های عضو اتحادیه) بدان ملحق گردید. در موارد محدود و مشخصی نیز که اجزای حقوق معنوی در این کشورها پذیرفته شده است به راحتی امکان اسقاط و انصراف از آنها پذیرفته شده است (برخلاف حقوق ایران). در این کشورها اعطای مجوز از سوی مؤلف برای بهره برداری از اثر را به منزله ای انصراف مؤلف از حق تعقیب و محاکمه گیرنده مجوز به خاطر نقض حقوق مؤلف تلقی می کنند.

تبعیت قانون حقوق مؤلف ایران از مقررات قانونی کشورهای رومی - ژرمنی، حداقل از لحاظ تاریخی مؤید آن است که نباید اشخاص حقوقی را مؤلف دانست. قراین و امارات موجود در قانون مذکور نیز همین نظر را تأیید می کند.

باید گفت که، در هیچ حالتی نمی توان خلق اثر را به خلاقیت و ابتکار شخص حقوقی نسبت داد. نقش شخص حقوقی حداکثر مدیریت و تأمین مالی است ولی این امور نمی توانند منتهی به ایجاد روح و فکر - به عنوان شرط اساسی خلق اثر - بشوند. در همه حالات افراد هستند که فهم و احساس خود را برای خلق آثار به کار می برند. دیدگاه کشورهای کامن لا مبنی بر مؤلف بودن شخص حقوقی نیز صرفاً ناشی از ضرورت حمایت از سرمایه گذاری است.

پیشنهادات

در حقوق ایران اگرچه از سال ها پیش در قوانین و مقررات مختلف به جرایم و مجازات های ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان پرداخته اند؛ اما قانون مربوط به حقوق مؤلفان و مصنفان (مصوب ۱۳۴۸) هرچند که در دوران قانونی پیشرفته و کامل به

ششمین کنفرانس ملی
علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



حساب می‌آمد اما امروزه جزییات کافی را ندارد تا افراد با مراجعه به آن بتوانند در محدوده‌های قانونی عمل کنند و در بسیاری از موارد شمول، اعمال متجاوزان گسترده‌تر از محدوده‌ی جرایم تعیین شده توسط قوانین است. از اینرو پیوستن ایران به کنوانسیون‌های حمایت از آثار ادبی-هنری بهترین راه حل خواهد بود. چون با رعایت مقررات این کنوانسیون‌ها بسیاری از کاستی‌های قوانین ایران در این زمینه رفع خواهد شد و نه تنها ایران به حقوق آثار خارجی احترام خواهد گذاشت بلکه حقوق آثار ادیبان و هنرمندان ایرانی نیز در سایر کشورها محفوظ خواهد ماند. در نتیجه اصلاح قانون موجود و عضویت در قراردادهای بین‌المللی برای حمایت جامع و مانع از آثار ادبی-هنری با توجه به فرهنگ و تمدن کهن ایرانی امری ضروری است.



فهرست منابع

- [۱] افتخار زاده، محمود رضا، ۱۳۷۶، مترجم، حقوق مؤلفان، مترجمان و هنرمندان و ناشران اسلامی معاصر، چاپ اول، نشر هزاران.
- [۲] اورلئان یوناسکو، ۱۳۵۵، حقوق مؤلف رادیو و تلویزیون، ترجمه دکتر محسن فرشاد، مؤسسه حقوق تطبیقی.
- [۳] آیتی، حمید، ۱۳۷۵، حقوق افرینش های فکری، چاپ اول، انتشارات حقوقدانان تهران.
- [۴] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۰، حقوق اموال، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش.
- [۵] شفیعی شکیب، مرتضی، ۱۳۸۱، حمایت از حقوق مؤلف، قوانین و مقررات بین المللی، تهران: خانه کتاب.
- [۶] شیخ الاسلامی، عباس، ۱۳۸۰، جرایم مطبوعاتی، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- [۷] صفایی، دکتر سید، ۱۳۵۷، حقوق مدنی و تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- [۸] فتحی درینی و دیگران، ۱۳۷۶، حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، محمودرضا افتخار زاده، چاپ اول، انتشارات هزاران.
- [۹] کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۶، دوره ی مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ ششم، انتشارات میزان.
- [۱۰] کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۸، مقدمه علم حقوق، چاپ سی و نهم، چاپ شرکت انتشار.